

زعیم طوری مورد تأیید الهی قرار می‌گیرد که از راهنمایی جامعه ناتوان نخواهد بود.

شماره پرسش: ۲۰۸۰۰

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۶/۹/۴ ۰۴:۲۱:۴۵

متن پرسش

با سلام و عرض ادب خدمت استاد گرامی: اخیراً سخنانی از حضرتعالی در نقد رئیس دولت نهم و دهم منتشر شده است. طبق این نقل، شما از وجود یک دوگانگی نظری بین رهبر انقلاب با رئیس جمهور سابق و بالتبع زاویه گرفتن ایشان از رهبر انقلاب سخن گفته اید و تأکید داشتید: «تا ایشان ذیل زعیم بود خیلی حکیم بود، آمد بیرون شروع به بچه بازی کرد.» حقیر در این زمینه دیدگاهی جزئی داشته و ممنون می‌شوم نظر خویش را در مورد این دیدگاه اعلام فرمایید؛ دوگانگی نظری بین رئیس دولت نهم و دهم با رهبر انقلاب امری است که مصادیق آن به وضوح دیده می‌شود. ریشه این دوگانگی، الزاماً در شکاف «حق-باطل» نیست بلکه شکافی بین دوگانه «آرمان‌گرایی- واقع‌گرایی» است که نمونه‌های آن در برهه‌های مختلف عصر غیبت، بین ولی فقیه زمان و چهره‌های برجسته‌ای که برخی بعداً خود ولی فقیه شدند دیده می‌شود. پیش از اسلام نیز در عصر پیامبران اولوالعزم دیده می‌شود؛ از جمله دوگانگی نظری بین دو پیامبر خدا «موسی - خضر» است که در قرآن کریم به تفصیل به آن پرداخته شده است. نتیجه آنکه، دوگانگی «آرمان‌گرایی - واقع‌گرایی» امری غیر عادی نبوده و امروز این دوگانگی در موضوع مدنظر ما در قالب دوگانگی «عدالت - ولایت» بروز و ظهور یافته است. از حسن توجه حضرتعالی سپاسگزارم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: موضوع حضرت خضر و حضرت موسی «علیهماالسلام» موضوع حضور در دو ساحت است. ولی موضوع حضور ولی فقیه زمان با نظر به اصول کلی مدیریت جامعه و تحقق عدالت، مدّ نظر می‌باشد و بهترین نگاه آن است که متوجه شویم خداوند بر قلب زعیم زمانه، هدایت‌هایی را اعمال می‌کند که در پرتو آن هدایت‌ها جامعه به سعادت می‌رسد و مسئولان اجرایی در این موارد باید در پرتو رهنمودهای زعیم جامعه کارها را جلو ببرند، نه آن‌که عقل خود را در عرض عقل زعیم قرار دهند. در همین رابطه از حضرت رضا «علیه‌السلام» داریم: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ لِلْأُمُورِ عِبَادِهِ شَرَحَ صَدْرَهُ» اگر خداوند بنده‌ای از بندگانش را جهت امور مردم انتخاب کرد، سینه‌ی او را گشاده می‌گرداند. تا در مدیریت خود کوچکترین لغزشی نداشته باشد و امور بندگان را با وسعت نظر سر و سامان دهد. «فَلَمْ يَعْجَبْ بَعْدَهُ بِجَوَابٍ وَ لَمْ تَجِدْ فِيهِ غَيْرَ صَوَابٍ» در نتیجه آنچنان توانا می‌شود که در جوابگویی به هیچ نیازی در نمی‌ماند و غیر از صواب از او نخواهی یافت و به خوبی مصلحت مردم را در نظر می‌گیرد. «فَهُوَ مُوَفَّقٌ مُسَدِّدٌ مُؤَيَّدٌ» [۱] پس او در کار خود موفق و محکم و مورد تأیید الهی

است. البته این بدین معنا نیست که آن ولیّ امر معصوم باید باشد، بلکه می‌فرمایند طوری او مورد تأیید الهی قرار می‌گیرد که از راهنمایی جامعه ناتوان نخواهد بود. موفق باشید

[۱] - تحف العقول، ص ۴۴۳